■پنج‌شنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۵ ■ ۲۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ ■ ۵ November ۲۰۲۶ ■سال سوم ■شماره ۵۹۹ ■قیمت: ۲۰ هزار تومان

Charsoghnewspaper

نبض اقتصاد را در دست بگیرید

چارسوق



۲

رهبر انقلاب:
کمترین گرایش تسلیم‌آمیز دشمن مستکبر را جَری‌تر خواهد کرد

اگر هنوز کسانی هستند که اندک امیدی به تغییر رفتار یا جابه‌جایی‌های حزبی و جناحی در نظام سلطه دارند و یا تصوّر می‌کنند با امتیازدادن به امریکا می‌توانند او را از دشمنی با ملّت ایران منصرف کنند، سخت در اشتباه‌اند.

۲

مهندسی انتخابات آمریکا با موشک ایرانی

اقتدار موشکی ایران و توان بازدارندگی در تنگه هرمز، جنگ علیه ایران را از یک ماجراجویی نظامی خارجی به بحران سیاسی داخلی آمریکا تبدیل کرد

شکست فاحش حزب ترامپ در انتخابات مجلس نمایندگان و سنای آمریکا، نتیجه جنگ‌طلبی او و حمله علیه ایران بود. اقتدار موشکی ایران و بستن تنگه هرمز توسط سپاه پاسداران در ۹ ماه گذشته سبب شد قیمت نفت و فرآورده‌های نفتی به اوج برسد و اقتصاد آمریکا را تحت تاثیر قرار دهد و نهایتا مردم آمریکا که فشارهای اقتصادی را ناشی از جنگ‌طلبی ترامپ می‌دانند، در انتخابات مجلس به رقبای او رای دادند.

۰

میثاق سرخ دانش‌آموزان و ملت ایران در یوم‌الله ۱۳ آبان

روز گذشته، راهپیمایی یوم‌الله ۱۳آبان با هدف تجدید میثاق با آرمان‌های انقلاب اسلامی، گرامیداشت یاد رهبر شهید و شهدای دانش‌آموز و همچنین تقویت سواد رسانه‌ای و خلاقیت دانش‌آموزان سراسر کشور برگزار شد.







چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
پنجشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۵۹۹



۸۰۰ هزار نفر همچنان در صف وام ازدواج و فرزندآوری

آمار اخیر بانک مرکزی از پرداخت بیش از ۷۰۳ هزار فقره وام ازدواج و فرزندآوری در نیمه نخست سال ۱۴۰۵ حکایت دارد اما ۴۸ درصد متقاضیان وام ازدواج و ۵۹ درصد متقاضیان وام فرزندآوری همچنان در صف انتظار قرار دارند و حدود ۸۰۰ هزار نفر هنوز موفق به دریافت تسهیلات نشده‌اند.

پرداخت وام ازدواج و فرزندآوری در ماه‌های اخیر شتاب گرفته و شبکه بانکی بخشی از عقب‌ماندگی خود را جبران کرده است؛ با این حال برای صدها هزار زوج و خانواده، این تسهیلات هنوز از مرحله انتظار فراتر نرفته است. کاهش صف متقاضیان اگرچه از تغییر روند پرداخت‌ها حکایت دارد اما فاصله میان وعده دسترسی به تسهیلات و دریافت واقعی آن همچنان پابرجاست. طبق آماری که بانک مرکزی اخیراً منتشر کرده صف وام ازدواج و فرزندآوری که در پایان سال گذشته از یک میلیون نفر عبور کرده بود، حالا به حدود ۸۰۰ هزار نفر رسیده است؛ کاهشی بیش از ۲۲۰ هزار نفری که در کنار افزایش سرعت پرداخت تسهیلات از بهبود عملکرد شبکه بانکی حکایت دارد. با این حال هنوز صدها هزار متقاضی در انتظار دریافت وام هستند و کاهش صف به معنای حل مسئله نیست. بررسی آمار منتشرشده از سوی بانک مرکزی نشان می‌دهد بانک‌ها از ابتدای سال ۱۴۰۵ تا پایان شهریورماه در مجموع ۷۰۳ هزار و ۲۵۸ فقره تسهیلات ازدواج و فرزندآوری پرداخت کرده‌اند؛ رقمی معادل حدود ۶۱ درصد کل تسهیلات پرداخت‌شده در سال ۱۴۰۴. در بخش وام ازدواج طی این مدت ۴۱۷ هزار و ۲۸۵ فقره تسهیلات پرداخت شده که معادل ۶۷ درصد عملکرد کل سال گذشته است. این نسبت برای وام فرزندآوری نیز با پرداخت ۲۸۵ هزار و ۹۷۳ فقره به حدود ۵۴ درصد می‌رسد. در همین حال گزارش دیوان محاسبات کشور از عملکرد تسهیلات ازدواج و فرزندآوری تا پایان شهریور ۱۴۰۵ نشان می‌دهد از مجموع ۸۰۴ هزار و ۸۰۲ متقاضی وام ازدواج ۴۱۱ هزار و ۸۸۴ نفر به ارزش ۱۳۸.۲ همت تسهیلات دریافت کرده‌اند و ۴۸ درصد متقاضیان همچنان در صف انتظار قرار دارند. در بخش فرزندآوری نیز از مجموع ۶۸۷ هزار و ۳۰۷ متقاضی، به ۲۸۱ هزار و ۳۴۶ نفر به ارزش ۲۶.۲ همت تسهیلات پرداخت شده و ۵۹ درصد متقاضیان هنوز موفق به دریافت وام نشده‌اند. معاون اداره عملیات اعتباری بانک مرکزی نیز در توضیح روند پرداخت‌ها اعلام کرده که عملکرد شبکه بانکی در ماه‌های ابتدایی سال به دلیل جنگ و حمله سایبری به چند بانک با وقفه مواجه شده اما در مرداد، شهریور و مهر سرعت پرداخت تسهیلات ۲ تا ۳ برابر افزایش یافته است. به گفته این مقام بانکی، تداوم این روند می‌تواند به تحقق سهمیه ابلاغی و حتی پرداخت بیش از آن منجر شود. وی همچنین از مکاتبه با بانک‌های دارای تأخیر و تعیین مستقیم شعبه برای متقاضیان در برخی موارد خبر داده است. با این حال تصویر عملکرد بانک‌ها یکدست نیست. سازمان بازرسی کل کشور چهارم مهرماه امسال در نامه‌ای به رئیس کل بانک مرکزی، عملکرد هشت بانک را در پرداخت این تسهیلات نامطلوب ارزیابی کرد. براساس این گزارش، سه بانک در بخش وام ازدواج و پنج بانک در بخش وام فرزندآوری تا ۲۴ شهریور کمتر از ۴۰ درصد سهمیه شش ماهه خود را محقق کرده بودند. سازمان بازرسی همچنین از مطالبه شروطی مانند دو ضامن یا ضامن کارمند دولت و ارائه چک و سفته در برخی شعب انتقاد کرده بود. در چنین شرایطی کاهش حدود ۲۲۰ هزار نفری صف در مقایسه با پایان سال گذشته، فقط بخشی از تصویر است. از یک طرف، بانک مرکزی از افزایش سرعت پرداخت و امکان تحقق سهمیه سالانه خبر می‌دهد و از طرف دیگر، عقب‌ماندگی تعدادی از بانک‌ها نشان می‌دهد افزایش پرداخت‌ها در کل شبکه الزاماً به معنای دسترسی یکسان متقاضیان به تسهیلات نیست. مسئله اصلی تداوم این روند و به‌ویژه جبران عقب‌ماندگی بانک‌های کم‌کار است. در غیر این صورت، حتی افزایش قابل توجه تعداد وام‌های پرداختی نیز لزوماً به معنای پایان انتظار نزدیک به ۸۰۰ هزار متقاضی نخواهد بود.

ضربه جنگ به موتور نفتی ریاض

افت ۲۰.۴ درصدی فعالیت‌های نفتی در پی تشدید تنش‌های منطقه‌ای، اقتصاد عربستان سعودی را در سه‌ماهه سوم ۲۰۲۶ با انقباض ۳.۸ درصدی مواجه کرد؛ به طوری که رشد بخش غیرنفتی نیز نتوانست از اثر منفی شوک نفتی بر بزرگ‌ترین اقتصاد جهان عرب جلوگیری کند. اقتصاد عربستان سعودی در سه‌ماهه سوم سال ۲۰۲۶ میلادی تحت تأثیر کاهش تولید و فعالیت‌های نفتی و پیامدهای جنگ منطقه‌ای، با انقباض ۳.۸ درصدی مواجه شد؛ آماری که نشان می‌دهد بزرگ‌ترین اقتصاد جهان عرب همچنان با تبعات اختلال در بخش انرژی دست‌وپنجه نرم می‌کند. براساس گزارش اداره کل آمار عربستان، تولید ناخالص داخلی واقعی این کشور در سه‌ماهه سوم سال جاری میلادی در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۳.۸ درصد کاهش یافته است. این در حالی است که اقتصاد عربستان در سه‌ماهه دوم نیز انقباض ۴.۷ درصدی را تجربه کرده بود. مهم‌ترین عامل این افت اقتصادی، کاهش ۲۰.۴ درصدی فعالیت‌های نفتی بوده؛ بخشی که همچنان نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد اقتصاد عربستان دارد. این آمار در شرایطی منتشر شده که جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، اختلال در زیرساخت‌های انرژی و محدودیت‌های حمل‌ونقل دریایی فشار قابل توجهی بر تولید و صادرات نفت کشورهای منطقه وارد کرده است.

سقوط بخش نفتی در برابر رشد محدود اقتصاد غیرنفتی

بررسی جزئیات آمار اقتصادی عربستان نشان می‌دهد که بخش نفتی بیشترین سهم را در کاهش تولید ناخالص داخلی این کشور داشته است. در مقابل فعالیت‌های غیرنفتی عربستان در سه‌ماهه سوم ۲۰۲۶ رشد ۱.۹ درصدی را ثبت کرده است. این رقم در مقایسه با رشد ۰.۸ درصدی سه‌ماهه دوم، نشان‌دهنده بهبود نسبی عملکرد بخش‌های غیرنفتی است. با این حال، رشد بخش غیرنفتی نتوانست افت شدید فعالیت‌های نفتی را جبران کند، همچنین فعالیت‌های دولتی عربستان در این دوره ۲.۷ درصد کاهش یافته است. براساس گزارش موسسه تحقیقاتی MUFG، فعالیت‌های نفتی در سه‌ماهه سوم ۴.۷ واحد درصد از رشد اقتصادی عربستان کاسته‌اند؛ در حالی که بخش غیرنفتی سهمی مثبت در عملکرد اقتصاد داشت. نکته قابل توجه آن است که تولید ناخالص داخلی تعدیل‌شده فصلی عربستان در مقایسه با سه‌ماهه دوم ۱.۳ درصد افزایش یافته؛ موضوعی که از بهبود نسبی فعالیت اقتصادی در مقیاس فصلی حکایت دارد اما هنوز به معنای خروج اقتصاد این کشور از رکود نیست. افت فعالیت‌های نفتی عربستان در شرایطی رخ داده که زیرساخت‌های انرژی و مسیرهای صادراتی منطقه تحت تأثیر تحولات نظامی و امنیتی قرار گرفته‌اند. اختلال در تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز و حملات به تاسیسات انرژی، صادرات و تولید نفت کشورهای منطقه را با چالش مواجه کرده است. عربستان برای کاهش وابستگی به مسیر تنگه هرمز، از خط لوله شرق به غرب برای انتقال نفت از مناطق تولیدی شرق کشور به پایانه صادراتی ینبع در دریای سرخ استفاده کرده است. با این حال، این مسیر نیز در ماه سپتامبر با توقف موقت فعالیت مواجه شد؛ مسئله‌ای که بر محدودیت گزینه‌های صادراتی عربستان در شرایط تشدید تنش‌های منطقه‌ای تاکید دارد. همچنین تشدید درگیری‌ها با نیروهای انصارالله یمن در ماه اکتبر و حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی و فرودگاه ریاض، نگرانی‌ها درباره چشم‌انداز فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در این کشور را افزایش داده است. گزارش وال استریت ژورنال نیز تاکید می‌کند که آمار سه‌ماهه سوم فقط تا پایان ماه سپتامبر را پوشش می‌دهد، بنابراین پیامدهای تشدید تنش‌های نظامی در ماه اکتبر هنوز به طور کامل در این ارقام منعکس نشده است.



رهبر انقلاب:

کمترین گرایش تسلیم‌آمیز دشمن مستکبر را جری‌تر خواهد کرد

گزارش

رهبر معظم انقلاب در پیامی به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی تاکید داشتند: آرزوی شیطان بزرگ، تسلیم بی‌قید و شرط ملّت ایران است و کمترین گرایش تسلیم‌آمیز به دشمن سلطه‌گر، سرمایهٔ عظیمی را که به برکت خون شهدا و با فداکاری آحاد ملّت به دست آمده بر باد خواهد داد و دشمن مستکبر را برای زیاده‌خواهی بیشتر و جنگ‌ها و جسارت‌های بعدی جری‌تر خواهد کرد.

به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری فارس، رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی پیامی صادر کردند. متن پیام ایشان به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحیم

امروز، روز ملّی مبارزه با استکبار جهانی و روزی است که مجموعه‌ای از نقاط عطف صف‌آرایی جبههٔ حق در مقابل جبههٔ باطل، و جبههٔ مظلوم در مقابل جبههٔ ظالم را در خود جمع نموده است. شاید بتوان گفت سیزدهم آبان امسال، ملّت ایران تکلیف خود را با امریکای جنایتکار روشن‌تر و شفّاف‌تر از هر سال دیگر می‌داند، امّا مرور ریشه‌ها، دلایل، و نقاط عطف خصومت روزافزون امریکا و صف‌آرایی مستحکم ملّت ایران در برابر آن، چراغ راه آیندهٔ این مسیر است.

نقطهٔ آغازین ظلم امریکا علیه ملّت ایران، به بیش از هفت دههٔ قبل می‌رسد

نقطهٔ آغازین ظلم امریکا علیه ملّت ایران، به بیش از هفت دههٔ قبل می‌رسد؛ آنگاه که کودتای بیست‌وهشتم مرداد را برای استمرار چپاول منابع و سرمایه‌های ملّی خصوصاً نفت برپا کرد. دهه‌های بعدی تا پیروزی انقلاب اسلامی نیز دورانی بود که حکّام امریکا تلاش وافری برای غارت دارایی‌های ملّت ایران به عمل آوردند. در این مسیر با تأسیس ساواک و مسلّط ساختن فضای سنگین امنیّتی بر جامعه، دست حکومت جائر آن زمان را برای اقدام به سرکوب هر حرکت معترضانه‌ای بازتر کردند. در آستانهٔ پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی هم از انواع ترفندها برای حفظ حکومت دست‌نشاندهٔ خود استفاده نمودند. از رفتار خصمانهٔ آنان در دوران پس از پیروزی انقلاب عظیم ملّت ایران نیز می‌توان فهرستی طویل از اقدامات ضدّ مردمی آنان را ارائه داد که شامل حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب و کودتاگران و منافقین کوردلی که علاوه بر نخبگان علمی، سیاسی و اجتماعی، انبوهی از مردمان عادّی را با سنگدلی به شهادت می‌رساندند؛ پشتیبانی مستقیم و همه‌جانبه از حزب بعث در جنگ تحمیلی اوّل، کشتار غیرنظامیان هواپیمای مسافربری، تحریم‌های گستردهٔ طولانی و سنگین اقتصادی، طرح‌ریزی و حمایت از آشوب‌ها و فتنه‌های متعدّد و حتّی پشتیبانی تسلیحاتی از آنها، ترور سردار سلیمانی قهرمان ملّی ایران و امّت اسلامی؛ دزدی اموال و دارایی‌های ملّت ایران در کشورهای مختلف؛ و سرانجام تهاجم مستقیم نظامی در جنگ‌های تحمیلی دوّم و سوّم و به شهادت رساندن جمع زیادی از نخبگان و دانشمندان و فرماندهان و خیل کثیری از مردم مظلوم ایران از نوزادان و نونهالان تا کهن‌سالان و در رأس همهٔ آنها رهبر عظیم‌القدر انقلاب اسلامی قدّس‌الله نفسه الزّکیّه می‌باشد.

سردمداران مستکبر امریکا و اذناب آن همواره دنبال تحمیل سلطهٔ خود و تسلیم ایران بوده‌اند

در تمام این مراحل، سردمداران مستکبر امریکا و اذناب آن همواره به دنبال تحمیل سلطهٔ خود و تسلیم ایران بوده‌اند و حتّی در آخرین نسخه‌های این زورگویی، تمامی آداب و ظواهر دروغین و فریبندهٔ بین‌المللی را کنار گذاشته و وقیحانه به دنبال تجزیهٔ کشور، زانو زدن ملّت، فروپاشی نظام، و نابودی تمدّن اصیل و کهن ایران هستند. و البته در هر مرحله‌ای با دیوار محکم واقعیّت میدانی و صخره‌های استوار ارادهٔ ملّت غیور ایران مواجه شده و نتیجهٔ محاسبات غلط و توهّمات استکباری‌شان را در سبد هزینه‌هایی سنگین بر دوش مردم امریکا و حکومت‌های دست‌نشاندهٔ دولت امریکا گذاشته‌اند.

نه فقط سیزدهم آبان بلکه همهٔ روزها و ساعات، ایّام ایستادگی و مبارزه با شیطان بزرگ شده است

اکنون داستان دشمنی دیرینهٔ امریکا با ملّت مسلمان ایران، و مقاومت غیورانهٔ همهٔ ایرانیان در مقابل این دشمن به جایی رسیده که نه فقط سیزدهم آبان بلکه همهٔ روزها و ساعات، ایّام ایستادگی و مبارزه با شیطان بزرگ شده است. اینک صحنهٔ خلیج فارس خصوصاً تنگهٔ هرمز همچنان که بطلان افسانهٔ شکست‌ناپذیری امریکا را رقم زده است، ضعف و زبونی حکومت‌هایی که به نیرویی جز ملّت خویش اتّکا می‌کنند، و بی‌وفایی و عجز قدرت‌های بزرگ در دفاع از حکومت‌های دست‌نشانده‌شان را نشان می‌دهد.

در صورت تکرار تعدّیات، پاسخ ایران ابعاد بسیار وسیع‌تری به خود خواهد گرفت

اِعمال مدیریّت ایران بر تنگهٔ هرمز و از بین بردن پایگاه‌های نظامی امریکا در کشورهای منطقه اگر چه عکس‌العملی به تجاوز و جنایت امریکا در جنگ تحمیلی سوّم بود، امّا در عین حال جهادی ابتدایی علیه استکبار در ابعادی منطقه‌ای نیز محسوب شده که در صورت تکرار تعدّیات، ابعاد بسیار وسیع‌تری به خود خواهد گرفت.

عقب‌نشینی و هزیمت، فرجام قطعی دشمن است

این نشانهٔ اقتدار، در کنار وحدت ساحات جبههٔ حق و حماسه‌سازی‌های هوشمندانه و مقتدرانهٔ جبههٔ مقاومت از فلسطین و لبنان تا عراق و یمن، طلیعه‌ای روشن و امیدآفرین از اعتلای پرچم جبههٔ حق و زمینه‌سازی برای نظم جدید جهانی است؛ چرا که هرگاه جبههٔ حق، توکّل و استقامت و فداکاری داشته باشد، جبههٔ باطل با هر قدرت و توان و هر که و هر چه باشد، در برابر آن تاب نخواهد آورد و عقب‌نشینی و هزیمت، فرجام قطعی آن است که اِنّ الباطلَ کانَ زَهوقا.

بحمدالله ملّت ایران درس‌های بزرگی را از آموزه‌های اسلام ناب محمّدی صلّی‌الله علیه وآله و سلّم و معارف انقلاب اسلامی و مکتب رهبران حکیم خود، خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید اعلی‌الله مقامهما الشّریف به خوبی فراگرفته و روزبه‌روز با تحقّق وعده‌های الهی، ایمانش به حقّانیّت این راه عمیق‌تر شده است. امروز در اثر رسوایی خودساختهٔ مستکبران، قدرت و سلطهٔ رو به زوال امریکا در هر دو بُعد قدرت سخت نظامی و قدرت نرم بین‌المللی دچار سقوطی برگشت‌ناپذیر شده و روند فروپاشی آن تسریع گردیده است.

تصور تغییر رفتار آمریکا، ناسپاسی به فتوحات ملت ایران است

اگر هنوز کسانی هستند که اندک امیدی به تغییر رفتار یا جابه‌جایی‌های حزبی و جناحی در نظام سلطه دارند و یا تصوّر می‌کنند با امتیاز دادن به امریکا می‌توانند او را از دشمنی با ملّت ایران منصرف کنند، سخت در اشتباه‌اند. این تصوّر باطل، ناسپاسی نسبت به فتوحات عظیمی است که ملّت مسلمان ایران در سایهٔ توکّل و استقامت و مجاهدت به دست آورده است.

کمترین گرایش تسلیم‌آمیز، دشمن مستکبر را جری‌تر خواهد کرد

آرزوی شیطان بزرگ، تسلیم بی‌قید و شرط ملّت ایران است و کمترین گرایش تسلیم‌آمیز به دشمن سلطه‌گر، سرمایهٔ عظیمی را که به برکت خون شهدا و با فداکاری آحاد ملّت به دست آمده بر باد خواهد داد و دشمن مستکبر را برای زیاده‌خواهی بیشتر و جنگ‌ها و جسارت‌های بعدی جری‌تر خواهد کرد.

استمرار راهبرد «ایران هرچه قوی‌تر» تنها راه رسیدن به نقطهٔ بازدارندگی مطلق است

تنها راه رسیدن به نقطهٔ بازدارندگی مطلق، استمرار راهبرد «ایران هرچه قوی‌تر» در مسیر پیشرفت همه‌جانبه بوده؛ و یکپارچگی، وحدت و انسجام اجتماعی، عنصر اصلی موفّقیّت در این مسیر می‌باشد که لازم است بر هر گفتار و کردار فردی و اجتماعی ملّت و مسئولان حاکم باشد. در این زمینه همچنان که حمایت‌های ملّت از مسئولان، امری لازم است، استمرار و ارتقاء توجّه مسئولان به خدمت مضاعف و جهادی و صمیمیّت با مردم و تأمین معیشت و آسایش و رشد مادّی و معنوی و حفظ عزّت و استقلال آنان نیز دارای اهمیّت است.

قشر پیشرو برای ساختن آیندهٔ روشن و شکوهمند ایران عزیز، جوانان، دانشجویان، و دانش‌آموزان‌مان هستند که می‌بایست به صورت مستمر در پی تسخیر و ویران‌سازی لانهٔ تاریک «یأس و ناامیدی و نشدن‌ها» و فتحِ خانهٔ روشنِ «امید و ما می‌توانیم» باشند. لازمهٔ این مأموریت، ورزیدگی فوق‌العاده و مجهّز شدن به انواع سلاح‌های علم و تقوا و مهارت و اخلاق و اراده و تلاش فوق‌العاده، و «هم‌عهدی» برای رسیدن به اهداف والا است. امید است به لطف الهی و دعای سَرورمان عجّل‌الله تعالی فرجه‌الشّریف، ملّت ایران پیروزی و سعادت و پیشرفت همه‌جانبه‌ای را هر چه زودتر تجربه نموده، و اسباب افول هر چه بیشتر و سریع‌تر سلطهٔ شیطان بزرگ فراهم شود. اِنّهم یَرونَهُ بعیداً و نَراهُ قریباً.

سیّد مجتبی حسینی خامنه‌ای
۱۳/آبان/۱۴۰۵

> **سردمداران مستکبر امریکا و اذناب آن همواره به دنبال تحمیل سلطهٔ خود و تسلیم ایران بوده‌اند و حتّی در آخرین نسخه‌های این زورگویی، تمامی آداب و ظواهر دروغین و فریبندهٔ بین‌المللی را کنار گذاشته و وقیحانه به دنبال تجزیهٔ کشور، زانو زدن ملّت، فروپاشی نظام، و نابودی تمدّن اصیل و کهن ایران هستند**

مهندسی انتخابات آمریکا با موشک ایرانی

اقتدار موشکی ایران و توان بازدارندگی در تنگه هرمز، جنگ علیه ایران را از یک ماجراجویی نظامی خارجی به بحران سیاسی داخلی آمریکا تبدیل کرد.

شکست فاحش حزب ترامپ در انتخابات مجلس نمایندگان و سنای آمریکا، نتیجه جنگ‌طلبی او و حمله علیه ایران بود. اقتدار موشکی ایران و بستن تنگه هرمز توسط سپاه پاسداران در ۹ ماه گذشته سبب شد قیمت نفت و فرآورده‌های نفتی به اوج برسد و اقتصاد آمریکا را تحت تاثیر قرار دهد و نهایتا مردم آمریکا که فشارهای اقتصادی را ناشی از جنگ‌طلبی ترامپ می‌دانند، در انتخابات مجلس به رقبای او رای دادند. اکنون می‌توان گفت که موشک‌های ایرانی، انتخابات آمریکا را علیه ترامپ، مهندسی کردند.

شکست سنگین حزب جمهوری‌خواه در انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، پیامدهای جنگ‌طلبی دونالد ترامپ و حمله نظامی علیه ایران را بار دیگر به صدر تحلیل‌های سیاسی جهان بازگرداند. نتایج اولیه انتخابات سوم نوامبر ۲۰۲۶ نشان می‌دهد دموکرات‌ها با جهشی قابل توجه، در مسیر بازپس‌گیری مجلس نمایندگان قرار گرفته‌اند و در رقابت‌های سنا و فرمانداری‌ها نیز پیروزی‌های مهمی کسب کرده‌اند؛ رخدادی که به عنوان ضربه‌ای سیاسی به ترامپ و سیاست‌های او ارزیابی می‌شود.

ترامپ جنگ را به خاورمیانه برد، اما هزینه آن را در صندوق‌های رأی آمریکا پرداخت کرد. جنگ علیه ایران و پیامدهای اقتصادی آن، به‌ویژه افزایش قیمت سوخت، تورم و فشار بر هزینه‌های زندگی، به یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف انتخاباتی جمهوری‌خواهان تبدیل شد. خبرگزاری رویترز پیش از انتخابات گزارش داده بود که جنگ ایران و سیاست تعرفه‌ای ترامپ، هزینه‌های زندگی آمریکایی‌ها را افزایش داده و این مسئله به تهدیدی جدی برای حزب حاکم تبدیل شده است. نظرسنجی رویترز. ایپسوس نیز نشان می‌داد ۷۸ درصد آمریکایی‌ها سیاست‌های ترامپ را عامل افزایش قیمت‌ها می‌دانند.



در این میان، تنگه هرمز به یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های فشار اقتصادی و سیاسی بر واشنگتن تبدیل شد. محدودیت عبور کشتی‌ها از این آبراه راهبردی و اختلال در انتقال انرژی، بازار جهانی نفت را تحت تأثیر قرار داد و افزایش قیمت بنزین و گازوئیل در آمریکا، مستقیماً به معیشت میلیون‌ها آمریکایی ضربه زد. گزارش‌های انتخاباتی نیز از افزایش نزدیک به ۵۰ درصدی قیمت بنزین و رشد حدود ۷۰ درصدی قیمت گازوئیل از آغاز جنگ در فوریه ۲۰۲۶ حکایت داشتند.

به این ترتیب، جنگی که ترامپ با تصور نمایش قدرت نظامی و تحمیل اراده آمریکا آغاز کرد، به مسئله‌ای روزمره در زندگی مردم این کشور تبدیل شد؛ از هزینه رفت‌وآمد و حمل‌ونقل گرفته تا قیمت مواد غذایی و سایر کالاهای مصرفی. در شرایطی که رئیس جمهور آمریکا بارها نگرانی مردم از هزینه زندگی را کم‌اهمیت جلوه داده بود، رأی‌دهندگان نارضایتی اقتصادی خود را به فرصتی برای مجازات سیاسی حزب حاکم تبدیل کردند.

موشک‌های ایرانی، بنزین گران و سفره کوچک‌شده آمریکایی‌ها؛ سه ضلع شکست انتخاباتی ترامپ

واقعیت این است که در انتخابات آمریکا، سیاست خارجی ترامپ دیگر موضوعی دور از زندگی مردم نبود. جنگ علیه ایران، مستقیماً به پمپ بنزین‌ها، فروشگاه‌ها و بودجه خانوار آمریکایی راه پیدا کرد. جمهوری‌خواهان نیز که با حمایت ترامپ وارد رقابت شده بودند، نتوانستند خود را از پیامدهای این جنگ جدا کنند. پیروزی‌های دموکرات‌ها در ایالت‌هایی مانند تگزاس، جورجیا، اوهایو و کارولینای جنوبی و پیشروی آنان در رقابت‌های مجلس نمایندگان، نشانه‌ای از گسترش نارضایتی از عملکرد رئیس جمهور آمریکا بود. گزارش‌های انتخاباتی، تورم، هزینه زندگی، جنگ ایران و نارضایتی از جهت‌گیری کلی کشور را از عوامل مهم این چرخش سیاسی معرفی کرده‌اند.

از این منظر، اقتدار موشکی ایران و توان بازدارندگی در تنگه هرمز، جنگ را از یک ماجراجویی نظامی خارجی به بحران سیاسی داخلی آمریکا تبدیل کرد. ترامپ که تصور می‌کرد می‌تواند با فشار نظامی، ایران را وادار به عقب‌نشینی کند، اکنون با فشار دیگری روبه‌روست؛ فشار رأی‌دهندگانی که هزینه جنگ را در زندگی روزمره خود احساس کرده‌اند. البته شکست انتخاباتی جمهوری‌خواهان را نمی‌توان صرفاً به جنگ ایران محدود کرد؛ تعرفه‌های تجاری، تورم، نارضایتی از عملکرد دولت و سایر مسائل داخلی نیز در این نتیجه نقش داشته‌اند؛ اما جنگ ایران به یکی از برجسته‌ترین عوامل تشدید نارضایتی اقتصادی و سیاسی از ترامپ تبدیل شد. به بیان دیگر، ترامپ با موشک‌های ایران در میدان نظامی مواجه شد و با پیامدهای همان جنگ در میدان انتخابات.

اکنون می‌توان با نگاهی راهبردی گفت که موشک‌های ایرانی، بدون حضور در صندوق‌های رأی آمریکا، در شکل‌گیری فضای سیاسی انتخابات این کشور نقش‌آفرینی کردند؛ چراکه جنگ‌طلبی واشنگتن، هزینه‌ای سنگین برای اقتصاد آمریکا و اعتبار سیاسی رئیس جمهور آن به همراه آورد. این انتخابات یک پیام روشن برای کاخ سفید دارد: قدرت نظامی آمریکا الزاماً به معنای قدرت سیاسی نامحدود نیست و هر جنگ خارجی، اگر هزینه آن بر دوش مردم داخلی بیفتد، می‌تواند به نقطه ضعف انتخاباتی تبدیل شود.

ترامپ برای شکست ایران جنگ را آغاز کرد؛ اما اقتدار ایران در جنگ، جمهوری‌خواهان را در انتخابات شکست داد.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
■ پنجشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۵۹۹

اخبار



میدان‌داری کارورها در جبهه زمستانی انرژی

طرح شرکت‌های کارور انرژی با تکیه بر سازوکار بورس و اقتصاد رفتاری، مدیریت مصرف گاز را از دستورهای بخشنامه‌ای به یک تجارت چند هزار میلیاردی با مشارکت مستقیم بخش خصوصی تبدیل کرده است.

مدیریت ناترازی انرژی در کشور از مرز هشدارهای متعارف فصلی فراتر رفته و به نقطه‌ای حساس رسیده است؛ نقطه‌ای که سیاست‌گذار و کنشگران اقتصادی باید میان ادامه «خام‌سوزی منابع» و «خلق ارزش افزوده پایدار»، یکی را برگزینند. در شرایطی که با ورود موج‌های سرما، افت فشار شبکه به‌ویژه در استان‌های انتهای خطوط انتقال به دغدغه‌ای عمومی تبدیل می‌شود، شیوه‌های سنتی که صرفاً مبتنی بر صدور بخشنامه‌های دولتی و درخواست‌های مکرر برای صرفه‌جویی بود، دیگر کارایی پیشین را ندارند.

در این میان، الگویی نوین تحت عنوان «شرکت‌های کارور انرژی» به میدان آمده تا با ترکیب ابزارهای مالی، تحلیل داده‌های مصرف و ایجاد مشوق‌های اقتصادی ملموس، موازنه عرضه و تقاضا را بازتنظیم کند. در این چارچوب، بهینه‌سازی مصرف نه به عنوان یک بار مالی اضافی، بلکه به مثابه سودآورترین تجارت انرژی در کشور بازتعریف شده است.

شکاف قیمتی بازار و تولد شرکت‌های سوپرکارور

محرک اصلی حضور بخش خصوصی در پروژه‌های بهینه‌سازی، تفاوت چشمگیر نرخ گاز یارانه‌ای با ارزش واقعی آن در بازار آزاد است. در حالی که بهای هر مترمکعب گاز تحویلی به برخی واحدهای تولیدی مانند مرغداری‌ها تنها حدود ۶۹ تومان محاسبه می‌شود و برای پله‌های آغازین مشترکان خانگی نیز در محدوده ۳۰۰ تومان قرار دارد، گواهی صرفه‌جویی همین گاز در تالار بورس انرژی به ارقام خیره‌کننده‌ای نزدیک به ۲۴ هزار تومان رسیده است. این شکاف عمیق قیمتی که تا پیش از این زمینه هدررفت گسترده و بهره‌وری نازل را فراهم می‌کرد، اکنون به موتور محرک سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بدل شده است. در مدل جدید، دولت هیچ‌گونه بودجه مستقیم یا تسهیلات یارانه‌ای پرداخت نمی‌کند؛ بلکه قاعده بازی بر اساس «خلق ثروت از محل صرفه‌جویی» استوار است.

بر اساس سازوکار طراحی شده، چنانچه یک شرکت کارور بتواند با اجرای راهکارهای فناورانه، اصلاح فرآیندها یا نصب تجهیزات مدرن، مصرف گاز یک مجموعه، محله یا صنعت را نسبت به خط مبنا کاهش دهد، مالکیت کل گاز صرفه‌جویی‌شده به مدت ۵ سال به آن شرکت واگذار می‌شود. محاسبات اقتصادی نشان می‌دهد که اصل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در سال اول یا دوم بازمی‌گردد و عواید حاصل از فروش گواهی‌ها در بورس انرژی طی سه سال بعد، سود خالص بنگاه را تشکیل می‌دهد. از دل این سازوکار، دو سطح از بازیگران متولد شده‌اند. نخست، کارورهای خرد و دانش‌بنیان که مصرف واحدهای مشخصی نظیر نانوایی‌ها، کارگاه‌های آجرپزی یا مجتمع‌های مسکونی را مدیریت می‌کنند و دوم، «سوپرکارورها» که متشکل از هلدینگ‌های عظیم صنعتی و پتروشیمی هستند. این غول‌های تولیدی با در دست گرفتن مدیریت انرژی یک شهر یا منطقه، گاز صرفه‌جویی‌شده در بخش عمومی را مستقیماً به چرخه‌های تولیدی پربازده خود تزریق کرده و خطوط تولید خود را از خاموشی‌های فصلی نجات می‌دهند.

عارضه‌یابی میدانی؛ از صادرات گاز مجازی تا نقش مربیگری مصرف

بررسی‌های میدانی کارورها نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از ناترازی گاز کشور ریشه در بی‌توجهی به اصول آمایش سرزمین و فقدان پایش داده‌محور دارد. نمونه بارز این عارضه، پدیده موسوم به «صادرات گاز مجازی» از طریق گلخانه‌هاست. در دهه‌های اخیر، انتقال کشت سبزی و صیفی به محیط‌های گلخانه‌ای با هدف مهار هدررفت آب مجازی آغاز شد اما فقدان پیوست انرژی سبب شد این زیرساخت‌ها بدون توجه به شرایط اقلیمی، در مناطق کوهستانی و به‌شدت سردسیر احداث شوند. در شرایطی که دشت‌های جنوبی کشور با حداقل مصرف انرژی توان تولید محصولات کشاورزی را دارند، گلخانه‌های دایر در مناطق غربی و شمال غربی در سردترین روزهای سال حجم انبوهی از گاز ارزان را برای کشت اقلامی همچون فلفل دلمه‌ای و گوجه‌فرنگی مصرف می‌کنند که بخش اعظم آن‌ها به بازارهای خارجی فرستاده می‌شود. این امر به معنای سوزاندن ثروت ملی و بازتوزیع یارانه‌های سنگین در پوشش محصول صادراتی است که کارورها با هدایت الگوهای کشت و مدیریت فصول بهره‌برداری، ساماندهی آن را آغاز کرده‌اند. از سوی دیگر، کارورهای انرژی در حوزه مشترکان خانگی و تجاری نقشی فراتر از یک ناظر فنی ایفا می‌کنند و در عمل به «مربی مصرف» بدل شده‌اند. این شرکت‌ها با تحلیل مستمر داده‌های مصرف کنتورها و مقایسه آن با میانگین همان اقلیم یا همسایگان، نقاط اتلاف را به طور دقیق شناسایی می‌کنند. اگر مصرف ساختمانی نامتعارف باشد، کارشناسان کارور بدون تحمیل نگاه آمرانه، نقایص سیستم حرارتی، نشتی‌های پنهان یا اشکالات رفتاری را برای ساکنان تبیین کرده و با تکیه بر منافع مشترک، بهینه‌سازی را اجرا می‌کنند. همچنین تمرکز بر واحدهای تجاری پرتعداد نظیر نانوایی‌ها که الگوی استقرار آن‌ها در سراسر کشور گسترده است، به کارورها این امکان را می‌دهد که با نصب تجهیزات بازیافت حرارت یا مشعل‌های کم‌مصرف، کاهش دست‌کم ۷ درصدی مصرف را به عنوان دستاوردی ملموس و استاندارد رقم بزنند.

پیوند اقتصاد رفتاری با فناوری و آینده خرده‌فروشی انرژی

موفقیت پایدار طرح کارور در گرو همگام‌سازی ابزارهای فناورانه با الگوهای رفتاری جامعه است. سیاست‌گذاری صرفاً با ابلاغ جریمه یا تهدید به قطع انشعاب، در درازمدت موجب پس‌زدگی مخاطب و بی‌اعتمادی اجتماعی می‌شود. از همین رو کارورها با بهره‌گیری از رویکردهای نوین «اقتصاد رفتاری» و طراحی تلنگرهای روان‌شناختی، شهروندان را در فرآیند مدیریت انرژی سهیم می‌کنند. مدل‌های «محله‌محور» که متکی بر ایجاد حس مسئولیت و رقابت سازنده میان محلات شهری است، به مشترکان نشان می‌دهد که هر یک درجه کاهش دمای محیط چه زنجیره‌ای از ارزش افزوده را فعال می‌کند و چگونه مانع توقف چرخه فعالیت کارخانه‌های صنعتی و آلودگی هوای شهرها ناشی از سوخت‌های سنگین می‌شود. پایش دقیق گازهای آل آینده محلی در کنار سنجش انتشار دی‌اکسید کربن در سطح ملی، دستاورد محیط زیستی این مشارکت را برای شهروندان شفاف می‌سازد. افق پیش روی این مدل، تکامل شرکت‌های کارور به سمت ساختار «خرده‌فروشی گاز» است؛ ساختاری که در آن کارورها مسئولیت کامل تأمین، توزیع هوشمند، خدمات بهینه‌سازی و صدور صورت‌حساب مشترکان را بر عهده خواهند گرفت. ورود کارورها به ۲۹ استان کشور و شکل‌گیری تجارب موفقی همچون مدیریت زنجیره متمرکز مرغداری‌ها در نوار ساحلی شمال کشور، نشان داد که بخش خصوصی قابلیت آن را دارد که با سرمایه‌گذاری در نوسازی عایق‌بندی سالن‌ها و سامانه‌های گرمایشی، مازاد انرژی را خود به بازار عرضه کند. تداوم و توسعه این مدل، افزون بر کاهش نیاز کشور به سرمایه‌گذاری‌های سنگین ده‌ها میلیارد دلاری در توسعه میادین گازی، بهره‌وری ملی را ارتقا داده و مسیر عبور پایدار از گلوگاه‌های ناترازی انرژی را هموار می‌سازد.



شبکه منافع اقتصادی آمریکا و اسرائیل در منطقه

گزارش

آنچه از منافع آمریکا و اسرائیل در غرب آسیا کمتر دیده می‌شود، فراتر از پایگاه‌های نظامی و مراکز امنیتی، شبکه‌ای گسترده از خطوط انرژی، بنادر، کریدورهای تجاری، صنایع فناوری و سرمایه‌گذاری‌هایی است که منافع اقتصادی و راهبردی این دو بازیگر را به کشورهای منطقه گره زده‌اند.

در صورت تکرار حماقت آمریکا در تجاوز نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران، شناخت دارایی‌ها و منافع راهبردی این دو بازیگر در غرب آسیا اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. این منافع تنها به تاسیسات نظامی محدود نیست و حوزه‌هایی مانند انرژی، حمل‌ونقل، تجارت، فناوری، سرمایه‌گذاری و ارتباطات را نیز در بر می‌گیرد.

بخشی از این شبکه در سرزمین‌های اشغالی، ترکیه، عراق، جمهوری آذربایجان و کشورهای حاشیه خلیج فارس قابل بررسی است؛ البته اینجا سعی شده میان مالکیت مستقیم، سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و اهمیت راهبردی زیرساخت‌ها برای آمریکا و اسرائیل تفاوت قائل شویم. تاکید می‌شود که معرفی این دارایی‌ها صرفاً با هدف شناخت و تحلیل منافع اقتصادی و راهبردی انجام شده و به معنای تعیین یا تأیید آن‌ها به عنوان هدف نظامی نیست. تشخیص اهداف احتمالی و تصمیم‌گیری درباره آن، بر عهده نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است.

خط لوله باکو-تفلیس-جیحان

خط لوله باکو-تفلیس-جیحان با طول حدود ۱۷۶۸ کیلومتر، نفت جمهوری آذربایجان را از مسیر گرجستان به بندر جیحان ترکیه منتقل می‌کند. ظرفیت انتقال آن حدود یک تا ۱.۲ میلیون بشکه در روز است. شرکت‌هایی از جمله بریتیش پترولیوم، سوکار، شورون و اکسون‌موبیل در توسعه و بهره‌برداری از این مسیر نقش داشته‌اند. اهمیت این خط لوله برای اسرائیل نیز قابل توجه است؛ به طوری که نفت آذربایجان در سال ۲۰۲۵ حدود ۴۶.۴ درصد واردات نفت این رژیم را تشکیل داده است.

میدان‌های گازی اسرائیل

میدان‌های گازی تامار، لویاتان و کاریش از مهم‌ترین منابع انرژی اسرائیل هستند. گاز استخراج‌شده علاوه بر تأمین بخش مهمی از نیاز داخلی، به مصر و اردن نیز صادر می‌شود. تولید گاز اسرائیل در سال ۲۰۲۵ حدود ۲۷ میلیارد مترمکعب گزارش شده است. این میدان‌ها در تقویت جایگاه انرژی اسرائیل در شرق مدیترانه و پیوند اقتصادی آن با کشورهای منطقه نقش دارند.

خط لوله حبشان-فجیره امارات

این خط لوله حدود ۴۰۰ کیلومتر طول دارد و نفت را از مناطق تولیدی ابوظبی به بندر فجیره در دریای عمان منتقل می‌کند. ظرفیت اسمی آن حدود ۱.۵ میلیون بشکه در روز است. این مسیر به امارات امکان می‌دهد بخشی از صادرات نفت خود را بدون عبور از تنگه هرمز انجام دهد و از وابستگی به این گذرگاه بکاهد.

خط لوله شرق-غرب عربستان

خط لوله شرق-غرب یا پترولاتاین، نفت مناطق شرقی عربستان را به بندر ینبع در دریای سرخ منتقل می‌کند. این مسیر امکان صادرات نفت از دریای سرخ را بدون عبور از تنگه هرمز فراهم می‌سازد. شرکت آرامکو در سال ۲۰۲۵ ظرفیت انتقال این خط را حدود ۷ میلیون بشکه در روز اعلام کرده است.

خط لوله کرکوک-جیحان

خط لوله کرکوک-جیحان از سال ۱۹۷۶ نفت عراق را به بندر جیحان ترکیه منتقل می‌کند. ظرفیت اسمی آن حدود ۱.۶ میلیون بشکه در روز است اما در سال‌های گذشته به دلیل اختلافات سیاسی، مشکلات فنی و ناامنی، بارها با توقف یا کاهش انتقال روبه‌رو شده است. اهمیت این مسیر بیشتر به نقش آن در صادرات نفت شمال عراق و اتصال منابع انرژی این کشور به بازارهای جهانی بازمی‌گردد.

شبکه صادرات گاز مایع قطر

قطر یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان گاز طبیعی مایع در جهان است و بخش مهمی از صادرات انرژی آن از مسیر خلیج فارس و تنگه هرمز انجام می‌شود. میدان گازی شمال که با میدان پارس جنوبی ایران مشترک است، پایه اصلی تولید گاز این کشور به شمار می‌رود. شرکت‌های آمریکایی نیز در بخش‌هایی از توسعه، فناوری و تأمین تجهیزات پروژه‌های گازی قطر مشارکت دارند.

کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا

کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا که در سپتامبر ۲۰۲۳ معرفی شد، طرحی برای اتصال هند به اروپا از مسیر امارات، عربستان، اردن و اسرائیل است. این طرح ترکیبی از حمل‌ونقل دریایی و ریلی، زیرساخت انرژی و ارتباطات دیجیتال را در بر می‌گیرد. تقویت جایگاه اسرائیل در مسیرهای تجاری منطقه و کاهش زمان و هزینه انتقال کالا از اهداف راهبردی این کریدور عنوان شده است.

بنادر تجاری اسرائیل

بنادر حیفا، اشدود و ایلات از مهم‌ترین درگاه‌های تجارت خارجی اسرائیل هستند. این بنادر در واردات کالا، صادرات محصولات صنعتی و کشاورزی و اتصال این رژیم به مسیرهای کشتیرانی مدیترانه و دریای سرخ نقش دارند. بندر حیفا نیز با مشارکت شرکت‌های خارجی توسعه یافته و در برنامه‌های تجاری منطقه‌ای اهمیت دارد.

بنادر و شبکه لجستیکی امارات

امارات با سرمایه‌گذاری در بنادر، مناطق آزاد و خدمات حمل‌ونقل، به یکی از مراکز مهم تجارت و لجستیک منطقه تبدیل شده است. شرکت دی‌پی‌ورلد در اداره و توسعه بنادر و پایانه‌های تجاری در کشورهای مختلف فعالیت می‌کند. این شبکه، امارات را به حلقه‌ای مهم در زنجیره انتقال کالا میان آسیا، اروپا و آفریقا تبدیل کرده است.

کریدور زنگزور و طرح «مسیر ترامپ»

طرح موسوم به «مسیر ترامپ» برای صلح و شکوفایی» یا تی‌آر‌آی‌پی، به ایجاد ارتباط حمل‌ونقلی میان جمهوری آذربایجان، نخجوان و ترکیه از مسیر جنوب ارمنستان مربوط است. توافق اولیه این طرح در اوت ۲۰۲۵ مطرح شد و برای توسعه آن، ساختاری با مشارکت آمریکا و ارمنستان پیشنهاد شده است. این مسیر در صورت اجرا می‌تواند بر معادلات ترانزیتی قفقاز و ارتباط منطقه با بازارهای اروپا و آسیا اثر بگذارد.

صنعت فناوری پیشرفته اسرائیل

فناوری پیشرفته یکی از پایه‌های اصلی اقتصاد اسرائیل است. شرکت‌های فعال در حوزه نرم‌افزار، تجهیزات پزشکی، نیمه‌رساناها و فناوری‌های ارتباطی، سهم مهمی در صادرات این رژیم دارند. ارزش صادرات این بخش در سال ۲۰۲۵ حدود ۸۵ میلیارد دلار و سهم آن از کل صادرات اسرائیل حدود ۵۸ درصد گزارش شده است.

صنعت امنیت سایبری

اسرائیل یکی از مراکز شناخته‌شده توسعه فناوری‌های امنیت سایبری است. شرکت‌های این حوزه محصولاتی برای حفاظت از شبکه‌ها، داده‌ها و زیرساخت‌های دیجیتال تولید می‌کنند و بخشی از بازار جهانی را در اختیار دارند. ارتباط این صنعت با نهادهای دولتی و شرکت‌های بین‌المللی، به آن اهمیت اقتصادی و راهبردی داده است.

مراکز تحقیق و توسعه شرکت‌های آمریکایی

شرکت‌هایی مانند اینتل، گوگل و مایکروسافت در اسرائیل مراکز تحقیق و توسعه دارند. این مراکز در زمینه‌هایی مانند تراشه، هوش مصنوعی، نرم‌افزار و خدمات ابری فعالیت می‌کنند. حضور این شرکت‌ها علاوه بر سرمایه‌گذاری و اشتغال، پیوند فناوری و اقتصادی اسرائیل با آمریکا را تقویت می‌کند.

صنایع هوافضا و دفاعی اسرائیل

شرکت‌هایی مانند صنایع هوافضای اسرائیل و رافائل در تولید سامانه‌های دفاعی، راداری، پهپادی و تجهیزات هوافضا فعالیت دارند. این صنایع علاوه بر تأمین بخشی از نیازهای داخلی، محصولات خود را به بازارهای خارجی عرضه می‌کنند و از بخش‌های مهم صادرات صنعتی اسرائیل به شمار می‌روند.

مراکز داده و خدمات رایانش ابری

گسترش خدمات دیجیتال، نیاز به مراکز داده و زیرساخت‌های رایانش ابری را افزایش داده است. شرکت‌هایی مانند آمازون، گوگل و مایکروسافت در این حوزه در اسرائیل و کشورهای خلیج فارس سرمایه‌گذاری کرده‌اند. این زیرساخت‌ها برای ذخیره‌سازی اطلاعات، خدمات مالی و ارتباطات دیجیتال اهمیت دارند.

کابل‌های زیردریایی اینترنت

کابل‌های فیبر نوری زیردریایی، بخش اصلی ارتباطات اینترنتی میان آسیا، اروپا و آفریقا را تأمین می‌کنند. مسیرهای عبوری از دریای سرخ، مدیترانه و خلیج فارس برای انتقال داده و اتصال مراکز اقتصادی منطقه اهمیت دارند. شرکت‌های بین‌المللی فناوری و مخابراتی در توسعه و بهره‌برداری از این شبکه‌ها مشارکت دارند.

صندوق‌های سرمایه‌گذاری ثروت ملی خلیج فارس

صندوق‌های ثروت ملی کشورهای خلیج فارس، از بازیگران مهم سرمایه‌گذاری جهانی هستند. این صندوق‌ها در حوزه‌هایی مانند فناوری، انرژی، زیرساخت، املاک و خدمات مالی سرمایه‌گذاری می‌کنند. بخشی از این سرمایه‌گذاری‌ها به شرکت‌ها و پروژه‌های آمریکایی و اروپایی اختصاص دارد و پیوند مالی کشورهای منطقه با اقتصاد غرب را تقویت می‌کند.

زنجیره تأمین صنعتی و تجاری آمریکا در خلیج فارس

شرکت‌های آمریکایی در بخش‌هایی مانند انرژی، هواپیمایی، خدمات مالی، فناوری و زیرساخت در کشورهای خلیج فارس حضور دارند. این همکاری‌ها شامل فروش تجهیزات، قراردادهای خدماتی، سرمایه‌گذاری و مشارکت در پروژه‌های بزرگ است. در نتیجه، بخش‌هایی از اقتصاد منطقه به تامین‌کنندگان و شرکت‌های آمریکایی وابستگی پیدا کرده‌اند.

تاسیسات آب شیرین‌کن و امنیت آبی

کشورهای حاشیه خلیج فارس برای تأمین آب شرب و صنعتی به شدت به تاسیسات آب‌شیرین‌کن وابسته‌اند. این تاسیسات، به ویژه در کشورهای کم‌آب منطقه، بخشی حیاتی از زیرساخت اقتصادی و خدمات عمومی محسوب می‌شوند. شرکت‌های خارجی، از جمله شرکت‌های آمریکایی، در طراحی، ساخت و تأمین تجهیزات این پروژه‌ها مشارکت دارند.

پیوندهای سرمایه‌گذاری آمریکا و اسرائیل

روابط اقتصادی آمریکا و اسرائیل فقط به کمک‌های دولتی محدود نیست و حوزه‌هایی مانند فناوری، صنایع دفاعی، سرمایه‌گذاری، تجارت و تحقیق و توسعه را نیز در بر می‌گیرد. شرکت‌های دو طرف در پروژه‌های مشترک فعالیت دارند و بازارهای مالی و فناوری آن‌ها به یکدیگر متصل است. این پیوندها یکی از پایه‌های مهم روابط راهبردی دو طرف به شمار می‌رود.

در صورت تکرار حماقت آمریکا در تجاوز نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران، شناخت دارایی‌ها و منافع راهبردی این دو بازیگر در غرب آسیا اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. این منافع تنها به تاسیسات نظامی محدود نیست و حوزه‌هایی مانند انرژی، حمل‌ونقل، تجارت، فناوری، سرمایه‌گذاری و ارتباطات را نیز در بر می‌گیرد

جهش ۱۵۱ درصدی بهای گندم ماکارونی؛ چرا دولت از نرخ مصوب گندم عبور کرد؟



افزایش ۱۵۱ درصدی قیمت گندم مصرفی صنایع ماکارونی، بیش از آنکه یک تغییر معمول در نرخ مواد اولیه باشد، نشانه تغییر سیاست دولت در پرداخت یارانه به صنایع غذایی است. تصمیمی که منطق اقتصادی آن قابل بررسی است اما اختلاف نرخ جدید با مصوبه قبلی دولت و نحوه مدیریت آثار آن بر تولید و مصرف، پرسش‌هایی جدی ایجاد کرده است.

با تصمیم ستاد تنظیم بازار، قیمت هر کیلوگرم گندم مصرفی صنایع ماکارونی و نان صنعتی از ۲۳ هزار و ۸۵۰ تومان به ۶۰ هزار تومان افزایش یافته است. شرکت بازرگانی دولتی ایران نیز از ابتدای آبان ماه این نرخ را مبنای فروش گندم به کارخانه‌ها قرار داده؛ تغییری که هزینه تأمین اصلی‌ترین ماده اولیه تولید ماکارونی را حدود ۲.۵ برابر می‌کند.

برای بررسی این تصمیم باید به مصوبه تابستان دولت بازگشت. هیات وزیران در مردادماه، نرخ گندم صنف و صنعت را ۵۳ هزار تومان تعیین کرد اما برای کارخانه‌های ماکارونی و برخی تولیدکنندگان نان، یک دوره حمایتی سه‌ماهه در نظر گرفت. در این دوره، گندم با ۴۵ درصد نرخ مصوب، معادل ۲۳ هزار و ۸۵۰ تومان عرضه می‌شد.

بنابراین پایان حمایت موقت اتفاق غیرمنتظره‌ای نیست؛ دولت از ابتدا قصد داشت بخشی از یارانه گندم صنایع را کاهش دهد. مسئله اینجاست که با پایان این دوره، قیمت به جای ۵۳ هزار تومان به ۶۰ هزار تومان رسیده است. این اختلاف هفت هزار تومانی، معادل رشد بیش از ۱۳ درصدی نسبت به نرخ مصوب قبلی است. دولت باید توضیح دهد چه تغییری در هزینه تأمین، شرایط بازار یا محاسبات اقتصادی رخ داده که نرخ جدید را ضروری کرده است. روشن شدن این موضوع، هم برای تولیدکنندگان اهمیت دارد و هم برای ارزیابی میزان واقعی حمایت دولت از صنایع لازم است.

اصلاح یارانه یا کاهش هزینه‌های دولت؟

فروش گندم با نرخ حمایتی به صنایع، هزینه‌ای را به دولت تحمیل می‌کند. از طرف دیگر، اختلاف زیاد میان قیمت گندم حمایتی و نرخ‌های آزاد می‌تواند انگیزه انحراف آرد از شبکه توزیع را افزایش دهد. در چنین شرایطی، کاهش یارانه و نزدیک کردن قیمت‌ها به یکدیگر، از نظر اقتصادی قابل دفاع است؛ به‌ویژه اگر منابع حاصل از آن صرف حمایت موثرتر از تولید و مصرف‌کنندگان شود.

اما یک نکته را نباید نادیده گرفت؛ کاهش هزینه دولت لزوماً به معنای کاهش هزینه اقتصاد نیست. اگر بخشی از بار مالی یارانه مستقیماً به کارخانه‌ها منتقل شود، این هزینه درنهایت می‌تواند خود را در قیمت نهایی محصولات نشان دهد. بنابراین معیار موفقیت این سیاست، صرفاً میزان یارانه حذف‌شده نیست؛ بلکه باید بررسی کرد که منابع آزادشده چه منفعتی برای اقتصاد و مصرف‌کننده ایجاد می‌کنند.

ماکارونی چقدر گران می‌شود؟

افزایش ۱۵۱ درصدی نرخ گندم به معنای افزایش مشابه قیمت ماکارونی نیست. هزینه تولید این محصول علاوه بر گندم، شامل فرآوری، دستمزد، انرژی، بسته‌بندی و حمل‌ونقل است. با این حال، سهم بالای مواد اولیه باعث می‌شود افزایش نرخ گندم اثر محسوسی بر هزینه تولید داشته باشد. این تغییر همچنین سرمایه در گردش بیشتری از کارخانه‌ها می‌طلبد. به عنوان مثال، هزینه خرید ۱۰ تن گندم برای یک کارخانه ماکارونی، از ۲۳۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان به ۶۰۰ میلیون تومان رسیده؛ یعنی کارخانه برای خرید همان مقدار گندم، اکنون باید ۳۶۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بیشتر پرداخت کند. با این وجود، افزایش هزینه تولید الزاماً به معنای جهش ناگهانی قیمت مصرف‌کننده نیست. میزان تغییر قیمت نهایی به شرایط رقابت، موجودی کارخانه‌ها، هزینه‌های جانبی و نحوه قیمت‌گذاری بستگی دارد.

موضوع مهم‌تر، جایگاه ماکارونی در سبد غذایی خانوار است. این محصول از جمله کالاهای مشمول کالابرگ الکترونیکی محسوب می‌شود و دولت می‌تواند با متناسب‌سازی حمایت‌های کالابرگی، اثر افزایش قیمت احتمالی را برای خانوارهای هدف کاهش دهد. این در حالی است که طرح کالابرگ الکترونیک و رقمی که برای خرید خانوار در نظر گرفته شده، خود محل بحث است.

دولت باید اصلاح قیمت را کامل اجرا کند

مصوبه جدید را می‌توان بخشی از حرکت دولت به سمت کاهش حمایت قیمتی از ابتدای زنجیره تولید دانست. در همین مسیر، واگذاری تدریجی تأمین گندم صنف و صنعت به بخش غیردولتی نیز پیش‌بینی شده است؛ اقدامی که در صورت ایجاد رقابت و دسترسی مناسب صنایع به گندم می‌تواند وابستگی آن‌ها به توزیع دولتی را کاهش دهد. با این حال، اصلاح قیمت بدون تکمیل سایر اجزای سیاست، نتیجه مطلوبی نخواهد داشت. دولت باید مبنای نرخ ۶۰ هزار تومانی را شفاف کند، امکان تأمین پایدار گندم و سرمایه در گردش را برای تولیدکنندگان فراهم سازد و حمایت از قدرت خرید خانوار را متناسب با آثار واقعی این تصمیم تنظیم کند.

در واقع مسئله اصلی، مخالفت با اصلاح یارانه گندم نیست؛ مسئله این است که اصلاح اقتصادی نباید به تغییر نرخ فروش دولت محدود شود. اگر منابع حاصل از کاهش یارانه به حمایت هدفمند از خانوار و تقویت تولید اختصاص یابد، این تصمیم می‌تواند به اصلاحی مفید در زنجیره گندم تبدیل شود. در غیر این صورت، دولت فقط محل پرداخت هزینه را تغییر داده و مشکلی را نیز حل نکرده است.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید

■ پنجشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۵ ■ ۲۵ جمادی الاول ۱۴۴۸ ■ ۵ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۵۹۹

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹
■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲

Charsogh newspaper.com

اخبار



فقط ۳ درصد از منابع مولدسازی محقق شد

با وجود گذشت بیش از یک دهه از ورود مولدسازی دارایی های دولت به قوانین بودجه و تصویب مصوبه ویژه سران قوا برای تسریع این فرآیند در سال ۱۴۰۱، عملکرد دولت همچنان از شکاف عمیق میان اهداف و درآمدهای محقق شده حکایت دارد؛ به طوری که در سال ۱۴۰۴ فقط ۳.۴ درصد از منابع پیش بینی شده این بخش محقق شد و حدود ۹۷ درصد درآمدهای هدف گذاری شده روی کاغذ باقی ماند.

در هفته های اخیر وزیر اقتصاد چندین مرتبه بر تسریع در واگذاری اموال مازاد دولت تاکید کرده است. سید علی مدنی زاده در مجمع عمومی سالانه سازمان خصوصی سازی، بر اصلاح رویه ها، آیین نامه ها و قوانین برای تسهیل در واگذاری ها تاکید کرده و ابهام، نبود شفافیت و تعارض مقررات را از عوامل ایجاد چالش در این فرآیند دانسته است.

تاکید دولتمردان بر تسریع در واگذاری دارایی های دولت موضوع جدیدی نیست، به طوری که از حدود دو دهه پیش موضوع مولدسازی دارایی های دولت به طور جدی مورد توجه دولت ها قرار گرفت و از سال ۱۳۹۲ سرفصل مولدسازی دارایی ها وارد قانون بودجه سالانه شد. اما حالا پس از حدود ۱۴ سال هنوز هم سهم این بخش از منابع از کل منابع بودجه عمومی دولت ناچیز است. طبق آمارها در سال ۱۴۰۴ فقط ۳.۴ درصد از منابع پیش بینی شده این بخش محقق شده است. این اتفاق درحالی رخ می دهد که در سال ۱۴۰۱ مصوبه ویژه مولدسازی به طور خاص با هدف تسریع در مولدسازی دارایی های دولت به تصویب رسید.

۹۷ درصد منابع مولدسازی محقق نشد

نگاهی به عملکرد مولدسازی دارایی های دولت در سال های اخیر نشان می دهد که با وجود افزایش منابع پیش بینی شده در بودجه، تحقق درآمدهای این بخش همواره با فاصله قابل توجهی از اهداف مصوب همراه بوده است. این شکاف به ویژه از سال ۱۳۹۹، همزمان با افزایش اتکای دولت به فروش اموال برای تأمین منابع بودجه آشکارتر شد. بررسی عملکرد مولدسازی دارایی های دولت نشان می دهد درصد تحقق منابع پیش بینی شده از ۶۳.۶ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۳.۳ درصد در سال ۱۳۹۹ رسید. این شاخص در سال ۱۴۰۱ به ۲۴ درصد افزایش یافت. در سال ۱۴۰۲ این عدد به ۵.۷ درصد و در سال ۱۴۰۳ به ۷.۴ درصد کاهش پیدا کرد. در سال ۱۴۰۴ نیز از حدود ۲۵۵ همت منابع مصوب پس از کسر ۷۰ همت بابت تسویه مطالبات تأمین اجتماعی، فقط ۸.۷ همت معادل ۳.۴ درصد از منابع مولدسازی محقق شده است. دیوان محاسبات، تأخیر ۲۲ ماهه در ابلاغ دستورالعمل های ارزیابی و تعیین بسته های سرمایه گذاری، ارائه فهرست های غیرمرتبط از سوی برخی دستگاه ها و توقف آیین نامه تأمین مالی خارجی به دلیل ابهامات فنی را از عوامل عدم تحقق منابع مولدسازی اعلام کرده است.

دارایی های راکد دولت ایران ۲ برابر میانگین جهانی

در اغلب کشورها، دارایی های دولت در مقایسه با اندازه اقتصاد، سهم قابل توجهی دارند. برخی برآوردها ارزش دارایی های غیرمالی دولت ها را به طور متوسط معادل ۶۷ درصد تولید ناخالص داخلی می دانند. از این رو افزایش بازده این دارایی ها می تواند به تأمین درآمد پایدار، پوشش کسری بودجه و تحریک رشد اقتصادی کمک کند. صندوق بین المللی پول در گزارش خود نسبت دارایی های عمومی به تولید ناخالص داخلی در ۲۷ کشور را در حالی به طور متوسط ۱۱۴ درصد برآورد کرده که این نسبت برای ایران، حدود ۲۰۶ درصد اعلام شده است.

همچنین در همایش مولدسازی اموال و دارایی های راکد در سال ۱۳۹۶، ارزش اموال غیرمنقول شناسایی شده دولت حدود ۵۰۰۰ هزار میلیارد تومان اعلام شد. با این حال خزانه دار کل کشور در همان همایش تاکید کرد که این رقم شامل همه دارایی های دولت نیست. براساس برآوردهای اداره کل اموال دولتی و اوراق بهادار، با احتساب دارایی های شناسایی نشده، تعداد اموال دولت می تواند از ۳۵۰ هزار مورد به یک میلیون مورد و ارزش آنها به ۱۸۰۰۰ هزار میلیارد تومان برسد؛ رقمی که در سال ۱۳۹۶ معادل ۱۴ برابر نقدینگی همان سال بوده است.

این ارقام علاوه بر اینکه نشان دهنده نسبت بالای دارایی های عمومی به تولید ناخالص داخلی ایران بوده، نشان می دهد اقتصاد ایران نیز نسبت به ظرفیت های خود، نسبتاً کوچک است. صندوق بین المللی پول معتقد است هدف اصلی باید استفاده مؤثر از دارایی های عمومی برای افزایش تولید، خلق ثروت و بهبود رفاه جامعه باشد.

زور مصوبه مولدسازی به بروکراسی اداری نرسید

در سال ۱۴۰۱ به لحاظ تقنینی، اتفاقات بسیار مهم و چالش برانگیزی در حوزه مولدسازی دارایی های دولت رخ داد. در آن سال، شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا با تصویب مصوبه مولدسازی دارایی های دولت، در ادامه سیاست های اصلاح ساختار بودجه و افزایش بهره وری اموال عمومی، به دنبال تسریع تعیین تکلیف املاک مازاد و تأمین مالی طرح های عمرانی نیمه تمام بود؛ سیاستی که از سال ۱۳۹۶ در قوانین بودجه مورد توجه قرار داشت اما همواره با فاصله میان منابع پیش بینی شده و عملکرد واقعی مواجه بود.

مهم ترین ابزار مصوبه، تشکیل «هیات عالی مولدسازی دارایی های دولت» با هفت عضو به ریاست معاون اول رئیس جمهور و با حضور وزیر اقتصاد، وزیر کشور، وزیر راه و شهرسازی، رئیس سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان قوای مقننه و قضائیه بود. این هیات اختیار داشت مازاد بودن املاک را تصویب کند، قیمت واگذاری و روش مولدسازی را تعیین کند و درباره طرح های عمرانی نیمه تمام تصمیم بگیرد. وجه متمایز مصوبه، اعطای اختیارات ویژه برای رفع موانع حقوقی و اداری بود. قوانین و مقررات مغایر به مدت دو سال موقوف الاجرا شدند، دستگاه ها به اجرای تصمیمات هیات مکلف شدند و برای تخلف، ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته شد. اعضای هیات و مجریان نیز در چارچوب مصوبات از مصونیت قضایی برخوردار شدند. آیین نامه اجرایی این مصوبه نیز، وزارت اقتصاد را از طریق سازمان خصوصی سازی مسئول شناسایی، آماده سازی، قیمت گذاری و فروش دارایی ها کرد. همچنین دستگاه ها موظف شدند اطلاعات املاک را در سامانه ساداثبت کنند و مراجع ذی ربط برای تثبیت مالکیت دولت و رفع معارض وظایفی بر عهده گرفتند. فروش نقدی و اقساطی، مذاکره با تصویب هیات، اجاره، مشارکت در ساخت، تهاتر و ابزارهای بازار سرمایه نیز به عنوان روش های مولدسازی پیش بینی شدند. به این ترتیب، چارچوب قانونی با هدف کاهش بروکراسی، تسریع واگذاری و تنوع بخشی به روش های مولدسازی طراحی شد؛ با این حال عملکرد بودجه ای نشان می دهد اعطای اختیارات ویژه به تنهایی نتوانست به تحقق متناسب اهداف و فروش بخش عمده دارایی های معرفی شده منجر شود.

گزارش مرکز پژوهش های مجلس با عنوان «مولدسازی دارایی های دولت: ارزیابی عملکرد و پیشنهادهایی برای بهبود و تسهیل» نشان می دهد موانع مولدسازی صرفاً به محدودیت های قانونی و بروکراسی اداری مربوط نیست، بلکه شرایط اقتصاد کلان، ضعف تقاضا و مشکلات ساختاری نیز مانع تبدیل دارایی های شناسایی شده به منابع مالی شده اند.



بازی خطرناک اسلام آباد با زنجیره تأمین ال پی جی

گزارش

حمله به ایران و بسته شدن گذرگاه های مرزی، زنجیره تأمین گاز مایع (LPG) در پاکستان را فلج کرد. با قطع واردات از ایران و جهش قیمت ها در آستانه فصل سرما، بازی خطرناک اسلام آباد در همسویی با فشارهای خارجی، اقتصاد این کشور و امنیت انرژی شهروندان را با بحرانی عمیق مواجه ساخته است.

با حمله ایالات متحده و اسرائیل به ایران در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، یکی از مهم ترین پیامدهای درگیری در برخی اقتصادهای در حال توسعه، اختلال در تأمین گاز مورد استفاده برای بخش خانگی و پخت وپز بود. طی سه هفته، شاخص آرگوس خاور دور برای پروپان ۵۳ درصد افزایش یافت و شاخص محموله های بزرگ سی اف آر آمستردام، روتردام و آنتورپ با رشد ۶۴ درصدی به هر تن ۹۲۲.۷۵ دلار رسید.

باید توجه داشت که تنگه هرمز معمولاً محل عبور حدود ۳۰ درصد از صادرات دریایی گاز مایع جهان، یعنی سالانه نزدیک به ۴۴.۲ میلیون تن است.

گاز مایع یا ال پی جی (LPG) نامی رایج برای ترکیبی از دو گاز هیدروکربنی، پروپان و بوتان است که برای نگهداری در کپسول یا مخزن به مایع تبدیل شده اند. در آسیا نیز مبنای قیمت گذاری آن متفاوت است، آرامکوی سعودی هر ماه قیمت های رسمی جداگانه ای برای پروپان و بوتان تعیین می کند که به «قیمت قراردادی» یا سی پی (CP) معروف اند. واردکنندگان هند، پاکستان و اندونزی قیمت قراردادهای بلندمدت خود را بر اساس همین نرخ ها تعیین می کنند.

چرا قیمت ال پی جی بیش از نفت افزایش یافت؟

ال پی جی در مقایسه با برخی فرآورده های پالایش شده دیگر، آسیب پذیری بیشتری نشان داد. در ۲ مارس، پهپادهای ایرانی به پالایشگاه رأس تنوره آرامکوی سعودی حمله کردند. این پالایشگاه با ظرفیت روزانه ۵۵۰ هزار بشکه، بزرگ ترین پالایشگاه سعودی است و این حمله به توقف موقت پالایشگاه و تعلیق چند هفته ای صادرات پروپان و بوتان انجامید. آرامکو هم زمان بخشی از محموله ها را برای دورزدن کامل تنگه، از مسیر دریای سرخ تغییر مسیر داد.

پالایشگاه های منطقه که خود با جهش قیمت گاز طبیعی روبه رو بودند، مصرف داخلی بوتان به عنوان سوخت را افزایش دادند و به جای صادرات، آن را در داخل مصرف کردند که عرضه را بیش از پیش محدود کرد. قیمت قراردادی سعودی برای پروپان که در فوریه نزدیک به هر تن ۵۴۲ دلار بود، چند روز پس از حمله حدود ۱۰ درصد افزایش یافت و به حدود ۵۹۵ دلار رسید. این قیمت تا ماه مه به هر تن ۷۵۰ دلار افزایش یافت و آرامکو همان ماه آن را ثابت نگه داشت. خریداران منطقهٔ آسیا-اقیانوسیه که معمولاً از خلیج فارس خرید می کردند، به جای آن سراغ محموله های اروپایی و آمریکایی رفتند. این روند، عرضه فوری در شمال غرب اروپا را کاهش داد، آن هم در شرایطی که هزینهٔ خدمات پایانه های آمریکا به بالاترین سطح خود در بیش از یک دهه رسید. در سال ۲۰۲۵، هند و چین به ترتیب ۲۰.۷ و ۱۶.۲ میلیون تن از ال پی جی عبوری از تنگه را وارد کردند. بنابراین با آغاز درگیری ها، هر دو کشور تقریباً بلافاصله اثر اختلال را احساس کردند. قیمت پروپان مونت بلو که پیش از جنگ نزدیک به ۶۳ سنت در هر گالن بود، تا اواسط ژوئن به حدود ۷۹ سنت رسید؛ یعنی ۲۵ درصد افزایش ناشی از جنگ که از رشد قیمت نفت در همین دوره بیشتر بود.

انتقال شوک به زنجیره های تأمین

در این میان، هند بیشترین آسیب را دید. این کشور حدود ۶۰ درصد از ال پی جی مورد نیاز خود را وارد می کند و براساس اعلام دولت، بخش عمده این واردات از مسیر تنگه هرمز و از طریق شبکه ای متشکل از ۲۲ پایانه واردات ال پی جی در دو ساحل هند وارد می شود.

در ۸ مارس، دولت به پالایشگاه های دولتی دستور داد واردات پروپان، بوتان، پروپیلن و بوتن را که در حالت عادی به کارخانه های پتروشیمی می رسیدند، به بخش ال پی جی مصرف خانگی منتقل کنند. این اقدام ظرف چند روز تولید داخلی را حدود ۲۵ تا ۲۸ درصد افزایش داد. با این حال همچنان شکاف عرضه باقی مانده بود؛ به طوری که تا اواسط مارس، سهم هفتگی محموله های خاورمیانه از کل واردات ال پی جی هند به تنها ۳۴ درصد کاهش یافت. در نتیجه شرکت های بازاریابی نفت هند به خرید محموله های جایگزین از سایر مناطق به ویژه ایالات متحده روی آوردند. این میزان حدود ۱۰ درصد از واردات سالانهٔ هند را تشکیل می داد و نخستین قرارداد ساختارمند آمریکا از این نوع بود.

آسیب پذیری اندونزی نیز قابل توجه است. تولید داخلی این کشور فقط حدود ۱.۶ تا ۱.۷ میلیون تن از تقاضای سالانه تقریباً ۸.۶ تا ۱۰ میلیون تنی را پوشش می دهد. وابستگی به واردات از حدود ۸۱ درصد در سال ۲۰۲۵ به نزدیک ۸۴ درصد در فوریه ۲۰۲۶ افزایش یافت و ایالات متحده تأمین کننده اصلی این واردات بود. در اوایل آوریل، ذخیره راهبردی جاکارتا تنها برای حدود ۱۰ روز کفایت می کرد.

بازی خطرناک اسلام آباد

حجم واردات ال پی جی پاکستان نسبت به سایر واردکنندگان بزرگ، بیشترین آسیب را از این بحران متحمل شد؛ زیرا خود ایران تأمین کننده اصلی ال پی جی این کشور بود و بیش از ۶۰ درصد از گاز مایع پاکستان پیش از آغاز جنگ به صورت زمینی از ایران وارد می شد که به جای گذرگاه های دریایی، با کامیون از مرز مشترک دو کشور عبور می کرد. این امر بدین معنا بود که تأمین گاز پاکستان مستقیماً به دلیل خود جنگ و اولویت های زمان جنگ در ایران مختل شده بود و نه صرفاً به دلیل مسائل مربوط به بیمه حمل ونقل یا ناامنی یک گذرگاه دریایی.

اکنون، بحران عرضه گاز مایع (LPG) در پاکستان در پی انسداد دو گذرگاه مرزی کلیدی با ایران ابعاد تازه ای به خود گرفته و این کشور جنوب آسیا را با چشم انداز یک بحران عمیق سوخت مواجه کرده است. بررسی های تخصصی حاکی از آن است که این انسداد، شریان حیاتی واردات گاز مایع به اسلام آباد را قطع کرده و به جهش شدید قیمت ها منجر شده؛ به طوری که قیمت هر سیلندر ۱۲ کیلوگرمی گاز مایع در بازار داخلی پاکستان تقریباً دو برابر شد.

در همین راستا، عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان برای گفت وگو پیرامون مسائل مرزی به تهران سفر کرد و وزارت امور خارجه ایران نیز از جریان داشتن رایزنی ها برای ازسرگیری کامل تجارت دوجانبه خبر داد. گذرگاه های مرزی «گبد-ریمدان» و «تفتان» از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۶ برای چند روز مسدود شدند و دو کشور دلایل متفاوتی برای این اقدام مطرح کرده اند. دولت ایالت بلوچستان هدف از این انسداد موقت را رسیدگی به دغدغه های امنیتی و مهار قاچاق عنوان کرده، در حالی که وزارت امور خارجه ایران آن را ناشی از دلایل فنی دانسته است.

این بحران زنجیره تأمین انرژی، بخش تولید برق و فعالیت کارخانه های کود شیمیایی در پاکستان را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. بر اساس آمارهای انجمن گاز مایع پاکستان، این کشور روزانه حدود ۷ هزار تن گاز مایع از ایران وارد می کند که سهم گذرگاه «گبد-ریمدان» بیش از ۴۰۰۰ تن در روز بوده است. با توقف این جریان، بیش از هزار کانتینر پاکستانی حامل اقلام صادراتی نظیر سیب زمینی، موز و برنج نیز در مرز متوقف شدند، هرچند این گذرگاه در ۲۱ اکتبر ۲۰۲۶ صرفاً برای صادرات کالاهای فاسدشدنی پاکستان به طور موقت بازگشایی شد. بسته شدن گذرگاه های مرزی میان ایران و پاکستان باعث گیر افتادن صدها کامیون، از جمله حامل های گاز مایع (LPG)، در دو سوی مرز شد. اتاق بازرگانی و صنایع کویته، مرکز استان بلوچستان، به فعالان اقتصادی توصیه کرده تا اطلاع ثانوی از ثبت سفارش های جدید با ایران خودداری کنند.

رانندگان گرفتار در این دو گذرگاه مرزی اعلام کردند که روزهاست در شرایطی دشوار و با دسترسی بسیار محدود به امکانات اولیه، در انتظار بازگشایی مرز به سر می برند. یکی از رانندگان با اشاره به این وضعیت اظهار داشت که بیش از یک هفته است در این محدوده منتظر مانده اند.

فعالان حوزه انرژی نسبت به احتمال تشدید کمبود عرضه و افزایش شدید قیمت ها هشدار داده اند. در حال حاضر، گاز مایع با نرخ های متفاوتی در مناطق مختلف پاکستان به فروش می رسد. به طوری که قیمت یک سیلندر ۱۲ کیلوگرمی در بلوچستان حدود ۷۰۰۰ روپیه (۲۵.۳۲ دلار)، در لاهور ۷۵۰۰ روپیه (۲۷.۱۳ دلار) و در اسکاردو به ۸۲۰۰ روپیه (۲۹.۶۶ دلار) می رسد.

کارشناسان اقتصادی ابراز نگرانی می کنند که تداوم این بحران و کمبود عرضه، با نزدیک شدن به فصل سرما، موج تازه ای از افزایش قیمت ها را در سایر کالاها نیز به دنبال داشته باشد. بنابراین، بازی پاکستان در میدان واشنگتن جز آسیب به اقتصاد آن به ویژه در آستانه فصل سرما نتیجه دیگری نخواهد داشت.

> **کارشناسان اقتصادی ابراز نگرانی می کنند که تداوم این بحران و کمبود عرضه، با نزدیک شدن به فصل سرما، موج تازه ای از افزایش قیمت ها را در سایر کالاها نیز به دنبال داشته باشد. بنابراین، بازی پاکستان در میدان واشنگتن جز آسیب به اقتصاد آن به ویژه در آستانه فصل سرما نتیجه دیگری نخواهد داشت**

دولت پاکستان در این راستا اعلام کرد که در پی جنگ، واردات گاز طبیعی از قطر به میزان حدود ۹۰۰ میلیون فوت مکعب در روز متوقف شده که این کشور را ناگزیر کرده ترتیبات لازم برای واردات LPG از عمان و عربستان را بررسی کند که البته در آستانه فصل زمستان و شرایط منطقه تحقق آن در کوتاه مدت بعید به نظر می رسد. بنابراین پاکستان چاره ای جز رویکرد مستقل در قبال تهران ندارد.

مرغ های بومی؛ ظرفیت مغفول ایران برای تأمین نیمی از تخم مرغ کشور

اندیشکده اقتصاد مقاومتی به تازگی گزارشی تحت عنوان «آسیب شناسی و فرآیند توسعه مرغ های بومی در ایران» منتشر کرده و در آن به ظرفیت توسعه مرغ های بومی در کشور و آثار آن پرداخته است. وابستگی تولید تخم مرغ ایران به واردات مرغ اجداد و مادر، در کنار تضعیف مراکز نگهداری و اصلاح نژاد مرغ های بومی، تاب آوری امنیت غذایی کشور را با چالش مواجه کرده است. گزارش اندیشکده اقتصاد مقاومتی نشان می دهد با احیای نژادهای بومی، تقویت مراکز اصلاح نژاد و توسعه پرورش روستایی می توان از ظرفیت این بخش برای تأمین بخشی از نیاز کشور به تخم مرغ استفاده کرد. برآوردهای این گزارش حاکی از آن است که با توزیع ۲۳ قطعه مرغ بومی میان هر یک از خانوارهای روستایی، امکان تأمین ۵۰ درصد تخم مرغ مورد نیاز کشور وجود دارد.

به تازگی اندیشکده اقتصاد مقاومتی گزارشی تحت عنوان «آسیب شناسی و فرآیند توسعه مرغ های بومی در ایران» منتشر کرده است. براساس این گزارش از اوایل دهه ۱۳۳۰ در چارچوب اجرای اصل چهار ترومن، با استفاده از کمک های مالی آمریکا، بستر واردات مرغ های اصلاح نژاد شده به ایران فراهم شد تا تولید گوشت مرغ و تخم مرغ مورد نیاز کشور با استفاده از نژادهای خارجی صورت بگیرد. هم زمان به تدریج سیستم تولید این محصولات پروتئینی از الگوی پراکنده و روستایی به سمت نظام تولید صنعتی و متمرکز سوق پیدا کرد؛ این مسئله به کاهش جمعیت مرغ بومی منجر شد.

ورود مرغ های اصلاح نژاد شده خارجی و عقب نشینی تدریجی مرغ بومی در ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی با مشارکت مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی، برنامه هایی را با هدف صیانت از مرغ های بومی به عنوان ذخایر ژنتیکی ملی و جلوگیری از انقراض آن ها آغاز کرد که محور اصلی آن افزایش جمعیت مرغ بومی در روستاها و هم زمان بهبود عملکرد تولیدی، به ویژه در تخم گذاری و تولید گوشت بود. در ادامه این رویکرد، مراکز نگهداری و اصلاح نژاد مرغ بومی در استان های مختلف کشور شکل گرفت.

بررسی ها نشان می دهد حاصل چند دهه تحقیق و توسعه در این مراکز، ثبت ملی ۶ نژاد مرغ بومی شامل ارومیانا، پارسه، ایساتیس، سپاهان، کاسپین و توسیکا بوده است. عملکرد تولید گوشت و تخم مرغ در این نژادهای اصلاح شده بومی نسبت به توده های اولیه به طور میانگین بین ۵۵ تا ۶۵ درصد افزایش یافته است؛ به عنوان نمونه میزان تولید تخم مرغ در نژاد سپاهان از متوسط ۶۰ عدد به بیش از ۱۸۰ عدد در هر دوره رسیده است. همچنین مرغ های بومی اصلاح نژاد شده به دلیل نیازهای تغذیه ای کمتر، سازگاری بالاتر با شرایط محیطی روستا و مقاومت بیشتر در برابر بیماری ها، از توان بالایی برای توسعه پرورش غیرصنعتی برخوردارند و می توانند ضمن ایجاد اشتغال و درآمد پایدار برای خانوارهای روستایی، به تقویت اقتصاد روستا نیز کمک کنند. این درحالی ست که سیاست های دولت، صرفاً تمرکز بر توسعه واحدهای صنعتی با رویکرد واردات سویه های تخم گذار جهت تولید تخم مرغ بوده است و فقدان برنامهٔ مشخص برای استفاده از ظرفیت مرغ های بومی جهت تولید بخشی از تخم مرغ مورد نیاز کشور باعث شده تا امکان بهره برداری از این ظرفیت فراهم نشود.

در این میان بررسی های میدانی و دیدگاه کارشناسان نشان می دهد از اوایل دهه ۱۳۷۰، شیوه تأمین مالی مراکز نگهداری و اصلاح نژاد مرغ بومی که به صورت دولتی اداره می شد، تغییر کرده و به جای بودجه های ملی، به بودجه های استانی وابسته شده است. در عمل، این تغییر باعث شد بخش عمده منابع مالی این مراکز منوط به تصویب و پرداخت در استان ها شود؛ موضوعی که به تدریج تأمین پایدار منابع را با مشکل مواجه کرد.

ناپایداری در پرداخت ها، امکان نوسازی زیرساخت ها و بهبود شرایط فنی و اجرایی مراکز را محدود ساخت و این مراکز را از مسیر توسعه و به روزرسانی خارج کرد. در نتیجه، کمبود منابع مالی در سال های گذشته، همراه با فرسودگی تجهیزات و کاهش دسترسی به نیروی انسانی متخصص و... روند تحقیق و توسعه در حوزه مرغ بومی را به طور محسوسی کند کرده است. تداوم این شرایط نه تنها کارکرد علمی و تولیدی مراکز را تضعیف کرده است، بلکه در برخی موارد خطر حذف و از بین رفتن نژادهای ثبت شده مرغ بومی را نیز به دنبال داشته است.

وابستگی به واردات مرغ اجداد و مادر؛ حلقه آسیب پذیر امنیت غذایی

به طور کلی، حفظ و تقویت مرغ های بومی در کشور از منظر پدافند غیرعامل بسیار با اهمیت است، چرا که شیوه سیاست گذاری دولت طی سال های گذشته باعث شده است تا تولید سالانه حدود ۱/۳ میلیون تن تخم مرغ کشور وابسته به واردات مرغ اجداد و مرغ مادر از مسیر کشورهای غربی و متکی به تولید صنعتی باشد. این مسئله، تاب آوری تولید را در برابر تنش های سیاسی و امنیتی نظیر جنگ رمضان کاهش می دهد. در این میان توسعه تدریجی تولید غیرصنعتی مرغ های بومی در کنار حفظ مزیت های تولید صنعتی می تواند به عنوان پشتوانه ای مکمل و ایمن عمل کند. در این گزارش، با اتکا به مسئله شناسی انجام شده، مصاحبه با خبرگان و کارشناسان فعال در حوزه مرغ بومی و نیز بررسی الگوی نگهداری و توسعه مرغ بومی در کشور روسیه، پیشنهاد شده است به منظور جلوگیری از انقراض مرغ های بومی کشور و در عین حال بهره برداری از این ظرفیت در راستای تقویت امنیت غذایی، دو راهبرد اصلی در دستور کار قرار گیرد.

راهبرد نخست؛ مدیریت ملی مراکز نگهداری و اصلاح نژاد مرغ بومی ایران

راهبرد اول «تمرکز بر نگهداری، حفاظت و تحقیق و توسعه مرغ های بومی» است؛ به طورکلی «تحقیق و توسعه» و «حفاظت از ذخایر ژنتیکی مرغ های بومی»، ذاتاً یک وظیفه حاکمیتی است و بدون نقش آفرینی فعال دولت، امکان تحقق آن وجود ندارد. از طرفی شیوه سیاست گذاری در حوزه حفاظت و تحقیق و توسعه مرغ های بومی نیازمند بازنگری اساسی است؛ چرا که مدیریت پراکنده و استانی قادر نیست گستره ژنتیکی مرغ های بومی و تعدد مراکز فعال در سطح کشور را به صورت کارآمد و اثربخش مدیریت کند. بر این اساس، سیاست گذاری در این حوزه باید به صورت متمرکز و در قالب یک طرح ملی با راهبری وزارت جهاد کشاورزی انجام گیرد. در این چارچوب، مدیریت مراکز اصلاح نژاد به عنوان هسته اصلی فعالیت های تحقیق و توسعه باید از وضعیت پراکنده و استانی خارج شده و مدیریت یکپارچه، منسجم و ملی جایگزین آن شود تا امکان برنامه ریزی بلندمدت، حفظ تنوع ژنتیکی و هم افزایی میان مراکز فراهم آید.

در چنین الگویی، مدیریت مستقیم مراکز و تصدی گری در اجرای برنامه های عملیاتی نظیر اصلاح نژاد و فعالیت های اجرایی مشابه، اساساً خارج از جایگاه و رسالت ستاد وزارت جهاد کشاورزی به عنوان نهاد سیاست گذار است. ورود مستقیم این وزارتخانه به لایه اجرا، عملاً موجب خروج آن از نقش حاکمیتی و سیاست گذاری می شود؛ لذا وزارت جهاد کشاورزی باید مدیریت اجرایی این مراکز را در قالب مدیریت پیمان و با شروط مشخصی مبنی بر بهبود شاخص های عملکردی مرغ های بومی به یکی از نهادهای پایدار، بلندمدت و دارای توان تخصصی و تجربه عملی در کشور واگذار نماید.

راهبرد دوم؛ توسعه پرورش مرغ بومی در ایران با محوریت خانوارهای روستایی

دومین راهبرد «افزایش جمعیت مرغ های بومی در مناطق روستایی» است؛ بر اساس مشاهدات میدانی خانوارهای روستایی به تنهایی از انگیزه و توان لازم برای ورود پایدار به فعالیت پرورش مرغ بومی برخوردار نیستند. دسترسی محدود به آموزش های علمی و ترویجی، ناآشنایی با اصول مدیریت تغذیه و تخم گذاری، ضعف در تأمین خوراک و خدمات واکسیناسیون و به ویژه ناتوانی در بازاریابی و فروش تولیدات خرد، موجب می شود ریسک اقتصادی این فعالیت برای روستاییان بالا برود و از جذابیت لازم برخوردار نباشد. در چنین شرایطی، توسعه پرورش مرغ بومی در روستاها بدون طراحی و استقرار سازوکارهای حمایتی مؤثر، عملاً با شکست مواجه خواهد شد.



ازاین رو، نقش خانوار روستایی باید به صورت واقع بینانه و کارآمد بازتعریف شود؛ به گونه ای که تمرکز اصلی آن صرفاً بر نگهداری و پرورش مرغ قرار گیرد و مسئولیت هایی نظیر تأمین نهاده ها، واکسیناسیون، خدمات فنی و فروش محصول نهایی از دوش روستایی برداشته شود. تحقق این رویکرد مستلزم حضور یک نهاد پشتیبان فعال و مستقر در سطح روستا است؛ نهادی که بتواند هم تأمین نهاده ها و خدمات اولیه شامل نیمچه، خوراک، خدمات دامپزشکی و آموزش را بر عهده گیرد و هم مسئولیت جمع آوری، بازاریابی و عرضه محصول نهایی را مدیریت کند. چنین نهادی می تواند در قالب های مختلفی از جمله شرکت تعاونی محلی، نهاد عمومی غیردولتی یا بخش خصوصی شکل بگیرد.

توزیع ۲۳ مرغ میان هر خانوار روستایی؛ ظرفیت تأمین نیمی از تخم مرغ کشور

با ایجاد چنین نهاد پشتیبانی، امکان تأمین بخشی از تخم مرغ کشور از مسیر تولیدات روستایی فراهم خواهد شد. طبق آخرین سرشماری عمومی کشاورزی در سال ۱۴۰۳ تعداد خانوار ساکن در روستا معادل ۱/۳ میلیون گزارش شده است. از طرفی اگر متوسط تولید تخم مرغ به ازای هر مرغ بومی حدود ۱۸۰ عدد در نظر گرفته شود، با توزیع حداکثر ۲۳ قطعه مرغ بومی به هر یک از خانوارهای روستا امکان تأمین ۵۰ درصد تخم مرغ مورد نیاز کشور ممکن می شود و جمعیت مرغ بومی پایه تولید در کشور معادل ۷۰ میلیون قطعه خواهد شد. البته اگر فرض بر این باشد که صرفاً ۵۰ درصد از جمعیت ساکن در روستاها با طرح نگهداری ۲۳ قطعه مرغ بومی همراه شوند، در این صورت نیز می توان ۲۵ درصد از تخم مرغ مورد نیاز کشور را تأمین کرد.